

# Legal Requirements of the Resistive Economy in the "Legislative Phase" with the emphasis on Principle 44 of the Constitution

(Type of Paper: Research Article)

Kiamrs Jahangir <sup>1\*</sup>, Vali Rostami <sup>2</sup>, Bahaddin Tari <sup>3</sup>

## Abstract

The resistive economy has been noticed as a fundamental strategy to change the economy movement of the country by the Supreme Leader of the Revolution. Imposing unlawful unilateral sanctions in order to put pressure on the Islamic Revolution which has imposed restrictions on the country's economic development, on the one hand, and the necessity to integrate and relationship between the general policies of the resistive economy and the specialized areas of public law in order to achieve social and economic growth and justice, welfare and dynamism based on production and employment on the other hand, clarify the necessity of investigating the legal requirements of the resistive economy. The research question is that what are the legal requirements of the legislative phase of resistive economy? In answer to this question, the research findings, which have been done in a descriptive-analytical manner, indicate that the legal requirements of the resistive economy in the legislative phase are the adoption of effective, transparent, coherent and revised laws that make the necessary efficiency in order to enable the creation of public relations between the authorities and the public as a key solution for the implementation of a resistive economy and legal requirements.

## Keywords

Legal Requirements, Resistive Economy, General Policies, Legislation, Constitution.

- 
1. Assistant Prof., Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: jahangir@ut.ac.ir
  2. Associate Prof., Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: vrostami@ut.ac.ir
  3. Ph.D. Student in Public Law, Aras International Campus, University of Tehran, Jolfa, Iran. Email: tary1348314@gmail.com

Received: November 29, 2018 - Accepted: July 15, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



## الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در «مرحله قانونگذاری» با

### تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

کیامرت جهانگیر<sup>۱\*</sup>، ولی رستمی<sup>۲</sup>، بهالدین تاری<sup>۳</sup>

#### چکیده

اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبردی بنیادی در جهت تغییر ریل گذاری حرکت اقتصادی کشور توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده است. اعمال تحریم های ظالمانه یکجانبه غیرقانونی نظام سلطه به منظور وارد آوردن فشار به انقلاب اسلامی که محدودیت هایی برای توسعه اقتصادی کشور ایجاد کرده است، از یک سو و لزوم به هم پیوستگی و رابطه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با حوزه های تخصصی حقوق عمومی در راستای تحقق رشد و عدالت اجتماعی و اقتصادی، ایجاد رفاه و پویایی مبتنی بر تولید و اشتغال و اتکای ملی از سوی دیگر، ضرورت بررسی الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی را مبرهن می نماید. سؤال تحقیق این است که الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانونگذاری با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی چیست؟ در پاسخ به این پرسش، یافته تحقیق که به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، بیانگر آن است که الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانونگذاری، تصویب قوانین مؤثر، شفاف، منسجم و منقح است که کارآمدی لازم را به منظور عدم اجرای سلیقه ای قوانین و نیز بستن منافذ رانت و فساد و تبعیض داشته باشد و با فرهنگ سازی در سطوح عمومی از یک طرف و استفاده از تجربیات موفق دنیا و بومی سازی آنها در کنار عزم ملی بین مسئولان و مردم از طرف دیگر بتواند به عنوان راهکاری مهم برای اجرای اقتصاد مقاومتی با رویکرد الزامات حقوقی به کار گرفته شود.

#### کلیدواژگان

الزامات حقوقی، اقتصاد مقاومتی، سیاست های کلی، قانونگذاری، قانون اساسی.

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: jahangir@ut.ac.ir

Email: vrostami@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران. Email: tary1348314@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴

## مقدمه

با نگاه گذرا بر بحران‌های اقتصادی و مداخله دولت‌ها برای مقابله با آن از یک طرف و تحریم‌های سیاسی و اغلب یکجانبه از طرف دیگر، کشورهای مورد تحریم توانسته‌اند با قانونگذاری، موجبات رونق اقتصادی را فراهم سازند و با مقاوم‌سازی و با اتکا به توانایی‌های ملی و داخلی برای شکست تحریم‌ها (عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۲۱۷)، نه تنها ایستایی اقتصادی، بلکه تقویت و درآمد ملی را نیز ارتقا دهند. بنابراین با مذاقه در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و مورد تحریم، در مورد ایران هم به‌عنوان کشوری که در شرایط مشابه است، می‌توان به این نتیجه رسید که با استفاده از تفکر ناب اسلامی مبتنی بر شاخصه‌هایی چون استقلال، خودتکایی، بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و با تکیه بر منابع عظیم بومی<sup>۱</sup> و با این فرضیه که تقنین، وجود شفافیت، انسجام و منقح کردن قوانین سبب تأمین استقلال، توسعه اقتصادی و رفاه، نویدبخش ساختن تمدن بزرگ اسلامی در عرصه اقتصادی از طریق نقشه راه جدید در قالب «الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی» برای رفع این مشکل می‌توان اقدام کرد که قانون اساسی در اصول ۴۳ و ۴۴ ظرفیت‌های الزام در تمهید برای اجرای اقتصاد مقاومتی را داراست و در کنار آنها سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و قانون اجرای اقتصاد مقاومتی<sup>۲</sup> مصوب مجلس و نیز اصول ۲۴گانه آن، در مجموع ظرفیت‌های نسبتاً خوبی را به‌عنوان قواعد حقوقی بالادستی فراهم آورده است. از این رو با توجه به موارد مذکور به این پرسش پاسخ داده می‌شود که الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانونگذاری با تأکید بر اصل ۴۴ چیست؟

## مفاهیم

### ۱. سیاست‌های کلی<sup>۳</sup>

در جهان، بیشتر رهبران خطوط کلی سیاست‌های عمومی و کلان را در برنامه‌های راهبردی

۱. از جمله آمریکا از سال ۱۹۱۰ به‌منظور تغییر رفتار داخلی آن کشورها یا تغییر رفتار خارجی آنها و نیز بی‌ثبات کردن حکومت‌های هدف و حتی سرنگون کردن این حکومت‌ها، همچون آرژانتین (۱۹۱۴)، ژاپن (۱۹۱۷)، چین (۱۹۴۹)، آلمان، شوروی (۱۹۸۰) و... آنها را تحریم کرد.
۲. در پیچیده‌ترین مقوله بشری خاورمیانه، یعنی جنگ تحمیلی، امنیت ملی، تولیدات بازدارنده موشکی و دفاعی، پیشرفت‌های هسته‌ای و... در دهه‌های اخیر که از نمونه‌های بارز ظهور خلاقیت‌های دانشمندان و جوانان انقلابی است، که بدون اتکا به غرب، به اهداف راهبردی رسیده‌اند که حتی دشمنان خود نیز به آنها معترف‌اند.
۳. در سال ۱۳۹۷ در مجلس به تصویب رسیده است.
۴. برای تعریف سیاست‌های کلی، لازم است واژه «سیاست» تعریف شود. سیاست از جمله به معنی حکومت کردن، حکم‌داری، عدالت، جزا، محافظت حدود ملک، مصلحت، تدبیر، دوراندیشی و... نزدیک‌ترین معنای لغوی سیاست، به مفهوم سیاست‌های کلی منظور در قانون اساسی، تدبیر، مصلحت و دوراندیشی است.

صادر می‌کنند (قاضی، ۱۳۸۳: ۵۷۷). در جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری با توجه به اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست‌های کلی نظام را به سران قوا ابلاغ می‌کنند. در مورد سیاست‌های کلی، برخی بر این باورند که سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که جنبه الزام‌آور حقوقی داشته باشد، در رأس سلسله‌مراتب قوانین و مافوق قانون اساسی است، چراکه در زمره اوامر ولایی قرار می‌گیرد و مصلحت عمل به آن از مصلحت عمل به قانون اساسی فراتر است (خلیلی، ۱۳۸۳: ۷۴). در مقابل گروه عمده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند این سیاست‌های کلی مادون قانون اساسی و مافوق سایر هنجارهای حقوقی است. در تبیین این عبارت می‌توان گفت قانون اساسی آرمان و میثاق ملی و سند حقوقی و سیاسی یک کشور است و اصل برتری و حاکمیت آن ایجاب می‌کند که هیچ هنجاری بالاتر از آن نباشد (موسی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۹). به عبارت دیگر، این سیاست‌ها که الزام‌آور حقوقی داشته باشد، از نظر نظم هنجاری و حقوق اساسی پایین‌تر از قانون اساسی، هرچند بالاتر از قوانین عادی و مقررات دولتی است و به همین دلیل نمی‌تواند نسبت به اصول قانون اساسی از ارجحیت برخوردار باشد (زارعی، ۱۳۸۳: ۳۳). در نتیجه در خصوص نسبت سیاست‌های کلی نظام، از جمله الزامات حقوقی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نظام با سایر هنجارهای حقوقی می‌توان گفت که مجموعه تدابیر و خط‌مشی‌هایی است که نسبت به قانون اساسی در مرتبه پایین‌تر و بالاتر از مقررات عادی قرار دارد که در جست‌وجوی سیر جامعه به سمت‌وسوی اهداف آرمانی و تحقق قانون اساسی براساس اصول ۴۳ و ۴۴ است (انصاری، ۱۳۸۵: ۱۸۴). از این‌رو این سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری قواعدی لازم‌الاجرا تلقی می‌شود، و همه نهادها و ساختارهای حکومت موظفند وظایف خود را منطبق با آن اجرا نمایند و در جهت عملیاتی نمودن آن اقدام نمایند.

## ۲. الزامات

برای حقوق، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است؛ تعریف‌هایی چون «مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور کلی که به‌منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۵۴۹) یا «مجموعه قواعد حاکم بر رفتار انسان که به‌وسیله قدرت اجتماعی با یک کیفیت فاعلی بر افراد تحمیل می‌شود» (دوپاکیه، ۱۳۳۲: ۴۴۷). براساس این تعاریف، حقوق قواعد الزام‌آور است؛ یعنی عنصر الزام در ذات قواعد حقوقی وجود دارد. برخی حقوق‌دانان، الزام را به معنای ضمانت اجرا دانسته‌اند<sup>۱</sup>

۱. و بر این باورند که الزام‌کنندگی قواعد حقوقی به این معناست که اجرای آن تضمین شده است؛ یعنی اگر کسی از عمل به آن قواعد امتناع ورزد، نیرویی وی را ناگزیر از عمل می‌سازد: «منظور از الزامی بودن یک اصل

(جوان، ۱۳۶۴: ۳۸۵). برخی دیگر از صاحب‌نظران حوزه حقوق، الزام را به معنای تکلیف دانسته‌اند (زارعی، ۱۳۸۴: ۲۶۶). خلاصه سخن اینکه «تکلیف»، عنصر هم‌عرض «امتیاز» نیست، بلکه یا منشأ انتزاع آن است یا چهره دیگری از آن است. آیینک چه حق را متضمن تکلیف بدانیم و چه خود تکلیف به حساب آوریم، در هر صورت الزام در قاعده حقوقی عبارت از همان تکلیف ایجابی یا تحریمی است که قانونگذار جعل می‌کند تا مردم را به عمل به آن وادارد. بدین ترتیب تفاوت حق و تکلیف نسبی است نه ذاتی و هر دو دارای یک واقعیت است که به جعل و تشریح قانونگذار بستگی دارد.

### ۳. اقتصاد مقاومتی

در حوزه ادبیات حقوقی دیگر کشورها در مورد اقتصاد مقاومتی، عباراتی مثل آسیب‌پذیری (vulnerability)، ثبات (stability) یا تاب‌آوری (resilience) وجود دارد که از نظر مفهومی به اقتصاد مقاومتی قرابت دارد. اقتصاد مقاومتی: Resilient Economy یا (Resistive economy) روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم‌شده، با کمترین وابستگی به خارج از کشور در خصوص نیازهای اساسی و راهبردی است. توانایی بازیابی و بازگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم<sup>۳</sup>، توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکانه‌ها یعنی جذب شوک‌ها،<sup>۴</sup> و سوم توانایی اجتناب از شوک (پندال، کووال<sup>۵</sup> و همکاران ۲۰۱۰: ۲۷). اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری برای مدلسازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها پیش از پیش آماده ساخته است (ترابزاده جهرمی، ۱۳۹۲: ۳). اساساً اقتصاد مقاومتی رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود که رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد (فرزندی اردکانی، ۱۳۹۴: ۲۳۵). اقتصاد مقاومتی به این معناست که اقتصادی داشته باشیم که درون‌گرا و روند رو به رشد

حقوقی این است که هرگاه از جانب شخص یا اشخاصی نقض شود، مردم مداخله نیروی اجرایی کشور را برای تنبیه متخلف ضروری بدانند.

۱. با این توضیح که هر قاعده حقوقی مرکب از دو مؤلفه است؛ یکی امتیاز برای صاحب حق، و دیگر تکلیف نسبت به دیگران. الزام قواعد حقوقی در حقیقت عبارت از همان عنصر و مؤلفه تکلیف است که متوجه دیگران است. هر «قاعده حقوقی» ترکیبی است از «حق و تکلیف»؛ یعنی در برابر حقی که به «من له الحق» داده شده، تکلیفی نیز بر «من علیه الحق» تحمیل می‌شود.

۲. به این معنی که آنچه را قانونگذار جعل می‌کند، نسبت به صاحب حق، امتیاز، و نسبت به دیگران تکلیف نامیده می‌شود، پس حق یک پدیده دوسویه و دارای دو بُعد است.

3. Shok-Counteraction

4. Shok-Absorption

5. Pendallt, Fostert, and Cowell

اقتصادی داشته باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱). این تعاریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه «عموم و خصوص من وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت‌اند؛ در واقع اقتصاد مقاومتی رویکرد و مسیری است که می‌تواند مانند چشمه همیشه جوشان در بعد اقتصادی با استفاده از خلاقیت‌ها و استعدادها بالقوه درون، فرصت‌ها و ظرفیت‌های برون، حرکت جهادی و به‌طور هدفمند ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب در «رشد و عدالت» اقتصادی را به‌صورت شفاف ببیماید.

### ۳. ۱. قانونگذاری در اقتصاد مقاومتی

فنون قانونگذاری به دو دسته تقسیم شده است: الزامات شکلی و الزامات محتوایی (قلیخانی، ۱۳۹۴: ۹۰). در مورد موضوع «الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانونگذاری» براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، اول ویژگی‌های قانون مطلوب از منظر شکلی و ماهوی، سپس الزامات حقوقی اقتصادی مقاومتی براساس اصل ۴۳ جهت ورود به اصل موصوف و در ادامه الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی براساس اصل ۴۴ مورد مذاقه قرار می‌گیرند، زیرا برای اینکه قانون، جایگاه و اعتبار لازم را پیدا کند و مردم به آن احترام بگذارند، لازم است ویژگی‌ها یا الزامات خاصی داشته باشد، یعنی هم الزامات شکلی و هم الزامات محتوایی قانونی لازم را داشته باشد، الزامات شکلی قانون از جمله شفافیت، انسجام، داشتن ضمانت اجرای لازم و کافی، متناقض نبودن، جامعیت و... و الزامات محتوایی (که در اینجا اقتصادی مقاومتی است) یعنی دارا بودن اصول مسلم و علمی اقتصادی و دارا بودن ارزش‌های اسلامی مطابق قانون اساسی کشور، را داشته باشد، و ما را به اهداف جامعه اسلامی یعنی «رشد و عدالت» و تمدن بزرگ جامعه اسلامی برساند.

### ۳. ۱. ۱. الزامات شکلی

الزامات شکلی باید صریح و هماهنگ با نظام حقوقی باشد و رعایت اصول حقوقی قانون باید احترام اصول حقوقی مستنبط از مجموعه قوانین را نیز محفوظ دارد. «از بین الزامات شکلی مهم‌ترین آنها شفاف‌سازی، انسجام قوانین و انعطاف‌پذیری است که در مورد اقتصاد مقاومتی آنها را باید لحاظ کرد. از آنجا که اصول سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مقام معظم رهبری ایران در قالب ۲۴ بند تعیین فرمودند، لازم است این اصول دربرگیرنده حداقل سه ویژگی اصلی الزامات شکلی حقوقی مذکور باشد که در ذیل به آن می‌پردازیم:

۱. ضمانت اجرای قوانین از طرف دولت تضمین شده و حکومت بدان منظور دادرها، دادگاه‌ها و نهادهای مختلفی را تشکیل داده است.

۲. برای اینکه قانون از گزند پیشامدها مصون بماند، باید نه زیاد انعطاف‌ناپذیر و نه بسیار انعطاف‌پذیر باشد.

### ۳. ۱. ۲. شفافیت در قانونگذاری

با توجه به جایگاه و ویژگی‌های قانون، «شفافیت در قانون‌گذاری» از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

#### الف) مفهوم شفافیت

شفافیت یا transparency، واژه‌ای است که به نظر راه‌حل برون‌رفت از بسیاری از مشکلات جاری کشور است. شفافیت آنقدر کلیدواژه مهمی است که شفافیت حکمرانی هم جزء ۸ اصل حکمرانی خوب (قلیخانی، ۱۳۹۴: ۲۲۱) و هم یکی از شاخص‌های کلیدی محور رژیم نهادی و مشوق اقتصادی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان است (transparency of government). در مورد شفافیت باید به دو وجه مهم آن توجه و به‌گونه‌ای آن را تأمین کرد؛ یک وجه آن شفافیت برونی و وجه دیگر آن شفافیت درونی قانون است. به سخنی دیگر هم شفافیت بر قانون و هم شفافیت در قانون باید تأمین شود. تأمین شفافیت برونی؛ در مورد تأمین این نوع شفافیت به چند نکته باید توجه شود، اولاً: حق اطلاع یافتن منظم، دقیق، بی‌کم‌وکاست، قابل درک و به‌هنگام همه شهروندان از تصمیمات و سیاست‌ها و نحوه اجرا و نتایج آن در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و... که از سوی حاکمان و کارگزاران دولت اتخاذ و اجرا می‌شود؛ ثانیاً: اعمال شفافیت در تمشیت و اداره امور امری سهل و ممتنع است، زیرا «عنصر آشکارسازی» در امور در نقطه کانونی این موضوع قرار دارد. در حال حاضر در جامعه کنونی ما، بخشی از مطالبات عمومی احصاء و پیرو آن تا حدودی قانونگذاری نیز شده است، لیکن هنوز بخش‌های زیادی در امور اقتصادی وجود دارد که مغفول مانده است و مجموع تحقیقات میدانی آیین واقعیات را به اثبات می‌رساند که در ایران و در طول دو دهه اخیر، قانونگذاری در این موارد صورت نگرفته است که باید این موارد کشف و با سازوکارهای دقیق قانونی از طریق قانونگذاری و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌منظور ایجاد ثبات رویه و مقررات، ضروری است مجریان نهاد اجرای عدالت، از این ظرفیت‌های قانونی به‌عنوان مطالبه عمومی و حقوق شهروندی و همچنین وظایفی که قانون اساسی بر عهده قوه قضاییه نهاد است، بدون هرگونه ملاحظه‌ای و پرهیز از هرگونه مصلحت‌گرایی استفاده و بهره‌برداری کند و گام مؤثری در حوزه شفافیت براساس بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۱. رهیافت شفافیت هدف نیست، بلکه ابزاری برای روشننگری زوایای تاریک عرصه‌های تأثیرگذار در زندگی شهروندان و کمک به پایداری نظام اجتماعی است، بنابراین هدف غایی آن جرم‌انگاری و مجازات و انتقام نیست، بلکه هدف اولیه شفافیت اقتصادی، «حقوق یک حق شهروندی»، «پیشگیری»، «آگاه‌سازی» به‌هنگام و سلامت مجموعه نظام اجتماعی است و اعمال مجازات امری ثانوی و در پی اصرار و اقدام قانون‌گریزانه متخلفان و سودجویان بخش‌های دولتی و خصوصی است که لازم می‌آید.
۲. سایت مرکز تحلیلی اقتصاد مقاومتی.



بردارد. به نظر می‌رسد برای احیای شفافیت و صیانت از بیت‌المال و بازدارندگی از جرائم اقتصادی به موجب قانون مذکور و قانون اساسی ضرورت قانونگذاری را که قابلیت اجرایی داشته باشد، بیش از هر زمان برای اقتصاد مقاومتی آشکار می‌سازد.<sup>۱</sup>

#### ب) انواع شفاف‌سازی بیرونی قوانین

از لحاظ نظری «شفاف‌سازی» به سه دسته تقسیم می‌شود؛ نوع نخست را «شفاف‌سازی اطلاعات» نام نهاده‌اند، بدین معنا که مردم باید از بازیگران و تصمیمات حکومتی آگاه شوند. نوع دوم «شفاف‌سازی مشارکتی» به این معناست که همه مردم باید بتوانند شخصاً یا از طریق نمایندگان خود به صورت شفاف مطابق بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی در تصمیمات اقتصادی و سیاسی شرکت کنند و از طریق شفاف‌سازی زمینه‌های فساد را از بین ببرند. سومین نوع «شفاف‌سازی پاسخگویی» است؛ یعنی حکومت یا هر نهاد تصمیم‌گیرنده، ناظر و جز آن، هنگام تخلف از قانون یا هنگامی که عملکرد آن تأثیر جدی بر منافع مردم دارد، در برابر نظام قضایی و نیز در برابر افکار عمومی به طور صریح و روشن پاسخگویی عملکرد خود باشد. در نهایت، مقامات رسمی را وادار به پاسخگویی کنند و این از طریق شفاف‌سازی پاسخگویی است که می‌تواند در اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی مبنی بر استفاده از «وام‌های بدون بهره» که در اختیار چه کسانی قرار می‌گیرند باشد تا از بیت‌المال و از حقوق عمومی جامعه صیانت شده و از فساد، رانت و تبعیض جلوگیری شود. ژوزف استیگ لیتزر از زاویه‌های دیگر به بررسی شفاف‌سازی می‌پردازد. به نظر وی، عدم شفاف‌سازی و علنی نبودن سبب می‌شود که کیفیت تصمیم به سطح نازلی برسد. به نظر برخی صاحب‌نظران، فساد عبارت است از سوءاستفاده از موقعیت برای کسب منافع فردی، گروهی و جناحی بی‌آنکه مقام یا

۱. که در این زمینه، احکام قطعی مرتکبان به اختلاس، ارتشاء، کلاه‌برداری، قاچاق ارز، جرائم مالیاتی و گمرکی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، اعمال نفوذ مسئولان و مقامات برخلاف حق و مقررات، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری و... را فارغ از هرگونه مصلحت‌گرایی، به منظور ایجاد اعتماد عمومی، ثبات اقتصادی و حفظ امنیت ملی و مقابله با دشمنان در کمین نشسته، اصل مهم شفاف‌سازی، می‌تواند به عنوان راه حل اصلی در توسعه اقتصادی و زمینه اجرای اقتصاد مقاومتی کشور باشد.
۲. محرمانه بودن تصمیمات باعث می‌شود حلقه تصمیم‌گیری بسیار کوچک شود. با انجام اشتباهات بیشتر، مقامات برای حفظ خود هرچه بیشتر در لاک دفاعی فرو می‌روند و از این رو به محرمانه‌تر کردن تصمیمات دست می‌زنند. بدین سان این حلقه را کوچک‌تر می‌کنند که نتیجه آن، تنزل هرچه بیشتر کیفیت تصمیم‌گیری خواهد بود. نویسندگانی دیگر (klitgaard:1998) به بحث علنی کردن فساد پرداخته است. به نظر وی فرمولی که برای ارزیابی فساد به کار می‌رود از این قرار است:  $C=M+D-A$  در این فرمول، C فساد (Corruption)، M قدرت انحصاری (Monopoly) در زمینه کالا، خدمات و غیره، که رانت ایجاد می‌کند و D صلاحدید و توان تصمیم‌گیری در این زمینه است (Discretion) که رانت‌ها چگونه تخصیص یابد و A پاسخگویی (Accountability) است که در این فرمول عدم پاسخگویی و حساب پس ندادن مدنظر است.

مقامات به پاسخگویی بپردازند یا مذاکرات و تصمیمات خود را علنی کنند، به‌طور صریح و قانونمند مردم را در جریان فرایندهای تصمیم‌گیری قرار دهند. در نظام‌های مردم‌سالار، دیوارهای بین مسئولان حکومتی و مردم کوتاه می‌شود یا به حداقل می‌رسد و مشارکت مردم و حمایت آنها از نظام حکومتی موجب استحکام پایه‌های نظام و مشروعیت حکومت می‌گردد. در این زمینه، دسترسی مردم به مباحث حکومتی از جمله شفافیت در تقنین و امور اقتصادی که در بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مبنی بر «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی... تأکید شده است، نقش مهمی در مشارکت مؤثر مردم ایفا می‌کند. در مجموع می‌توان گفت علنی کردن مسائل سبب می‌شود که افراد، گروه‌ها و نهادهای حکومتی همیشه دل‌نگران تصمیمات خود باشند، زیرا پیوسته در معرض قضاوت عموم قرار دارند. یکی از نویسندگان، این خصیصه یعنی «هراس حاکمان از مردم» را وجه ممیزه نظام‌های مردم‌سالار می‌داند و می‌گوید «هنگامی که حکومت از مردم می‌ترسد این آزادی است و هنگامی که مردم از حکومت می‌ترسند این چیزی جز استبداد نیست».

#### ج) اصل شفافیت قوانین قابل فهم بودن یا تأمین شفافیت درونی قوانین

شفافیت درونی قوانین بدین معناست که قانونی که تصویب می‌شود، باید آنقدر صریح، روشن و قابل فهم باشد که همگان بدون هرگونه تفسیری، برداشت واحدی از آن داشته باشند. اصل شفافیت قانون به‌منظور ارتقای ارتباط شهروندان با قوانین و قابل فهم بودن آنها اعمال می‌شود. از نظر فنی، قانون باید به‌گونه‌ای تدوین شود که کلیه مواد آن منسجم باشد و کمتر نیاز به تفسیر داشته باشد، در عین حال نتایج حقوقی اعمال و وقایع حقوقی موردنظر قانون باید در متن آن پیش‌بینی شده باشد. در واقع اصل شفافیت تضمینی برای کیفیت قوانین از نظر قابلیت فهم و انسجام آنها برای همه مردم است، شفافیت قوانین به کیفیت آن مربوط می‌شود. بدیهی است که این وضعیت قانونگذار جز با قوانین شفاف از حیث تعیین حقا و تکالیف امکان‌پذیر نیست، از این رو اعمال اصل شفافیت قانون از جهات گوناگون ضروری است. برای شناخت این اصل باید دلایل عدم شفافیت قوانین را برشمرد که طیف وسیعی از سکوت، اجمال، ابهام و پیچیدگی قوانین هستند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۲). امروزه اعمال این اصل و دامنه آن به تفصیل در حقوق اروپایی و نیز نظام‌های دیگر تبیین شده است.

1. Bannon Zan "The fight against corruption, A world bank- perspective", Workshop on transparency and governance, Central America country management unit, Stockholm, Sweden: 25-28 May 1999.
2. "Civil society :Participation and transparency in central America", United nation development 19-programme Bureau for Latin American and the Caribbean, Presented in workshop on transparency and governance, Stockholm, Sweden: 25-28 May 1999.

### ۳.۱.۳. انسجام قانونگذاری در اقتصاد مقاومتی

یکی دیگر از الزامات شکلی قانونگذاری وجود انسجام (دیویدلیون، ۱۳۸۴: ۴۹) قوانین در هر موضوع، قانونگذاری است که در بحث تدوین قوانین اقتصاد مقاومتی هم باید به مسئله وجود انسجام در قوانین اقتصاد مقاومتی که از الزامات مهم شکلی در تدوین قوانین است، توجه ویژه داشت. برای تأمین انسجام لازم است به خود مفهوم انسجام در قوانین به‌ویژه در قوانین اقتصادی اشاره شود.

#### الف) مفهوم و ویژگی‌های انسجام قوانین اقتصادی

انسجام در لغت به معنای روان بودن و روان شدن، منظم‌شده و باهم جور شدن، مستحکم شدن، استوار شدن و استواری است (عمید، ۱۳۹۱: ۱۵۱). انسجام به سلامت و روانی ترکیب الفاظ اطلاق می‌شود و از اسلوب‌های بدیعی قرآن است. یکی از اسلوب‌های بدیعی قرآن، انسجام آیات شریفه آن است (فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۰۷). انسجام قوانین، شکلی از ارتباط است که نشان می‌دهد به‌وسیله آن افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف، قابلیت همکاری با یکدیگر را دارند، به قوانین موجود احترام می‌گذارند و تصمیم‌های راهبردی دولت، همواره برگرفته از ذهن مردم و تجلی‌یافته در باورها و نهادهای مردمی است که چنین وضعیتی، توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها را به آحاد جامعه ایجاد می‌کند. براساس رویکرد نهادگرایان تفاوت میزان انسجام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، مهم‌ترین دلیل عملکرد متفاوت کشورها در خلق نهادهای کارآمد و دستیابی به توسعه اقتصادی است. باید قوانین اقتصادی از انسجام درونی و بیرونی برخوردار باشند. انسجام درونی بدین معناست که هنجارهای موجود در قوانین گوناگون درون نظام حقوقی باید از انسجام برخوردار باشد. «تناقض و تضاد» میان هنجارهای موجود نباشد، انسجام بیرونی یعنی اینکه این قانون اقتصادی هم باید با دیگر قوانین اقتصادی تناقض و تضاد نداشته باشد. به‌طور اختصار یعنی هم در خود هر قانون اقتصادی باید انسجام وجود داشته باشد و هم در بیرون هر قانون اقتصادی با دیگر قوانین اقتصادی باید انسجام و هماهنگی وجود داشته باشد و از هرگونه تناقض و تضاد به دور باشد. می‌توان گفت ابهام قوانین سبب اختلاف مفاهیم شده و از کارایی قوانین کاسته می‌شود. وجود «ابهام و عدم انسجام» در قوانین سبب تفسیرهای نادرست و سلیقه‌ای هنگام اجرا می‌شود. از این‌رو براساس نظر حقوقدانان یکی از شاخص‌های مهم توسعه، داشتن انسجام و یکپارچگی در همه قوانین کشور، به‌منظور اجرای روان و شفاف توسط مجریان دستگاه‌هاست.

#### ب) ضرورت انسجام قوانین اقتصاد مقاومتی

با مذاقه در قوانین اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در همه حوزه‌ها از جمله در حوزه‌های

اقتصادی، بدین نتیجه مهم می‌رسیم که قانونگذار تمامی مراحل تقنین، انسجام، اجرا و موارد مرتبط را به‌طور شفاف با توجه به مقتضیات جغرافیایی و استعدادهای بالقوه اعم از نیروی انسانی و ذخایر و معادن موجود و نیز بازار کار و فروش آن و با در نظر گرفتن پدیده رقابت در امور تجاری مشخص کرده است و این از عوامل موفقیت این کشورها در حوزه اقتصادی است. لذا ضروری است با تدوین و انسجام در قوانین اقتصادی، مصوبات مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، شوراها، طرح‌ها، لوایح و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و حتی بخش خصوصی بازخوانی شود تا در حوزه قانونگذاری و انسجام قوانین اقتصادی ضمن ابهام‌زدایی، سلسله‌مراتب قانونی آنها نیز مراعات شود تا گامی مؤثر و هدفمند در توسعه اقتصادی کشور برداشته شود. بخشی از وظایف انسجام‌بخشی به قوانین و مقررات، مربوط به مجلس است که عوامل و مقررات بازدارنده را از پیش پای صادرات و تولیدات داخلی بردارد که بخشی مربوط به دولت است که باید با قانونگذاری شفاف و انسجام لازم، براساس بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ و نیز مواد ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی، تسهیل‌گر باشد، ضمن اینکه بخش خصوصی براساس اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی ابلاغی، بعنوان بخشی فعال در حوزه مربوط، نیز در این میان باید با استفاده از امکانات و فناوری‌های جدید بتواند بهره‌وری تولید را ارتقاء دهد.

#### ۳. ۱. ۴. انعطاف‌پذیری در اقتصاد مقاومتی

سومین ویژگی مهم در تأمین الزامات شکلی در تدوین قوانین اقتصادی تأمین انعطاف‌پذیری (دیویدلیون، ۱۳۸۴: ۴۹) است. در خصوص انعطاف‌پذیری در قانون باید گفت اصولاً برای موفقیت یک قانون، قانونگذار و مجری... باید ظرافت و مهارت لازم را در وضع و تصویب قانون و نیز در اجرای آن به خرج دهند، قانون ضمن آنکه، از صلابت و خشکی خاص خود برخوردار است و قاعدتاً استثناپذیر نیست و باید شفاف و قاطع باشد و با قاطعیت و بدون ملاحظه‌کاری اجرا شود، در عین حال در مواردی لازم است حساب‌شده و منعطف باشد و در جای خود نرمی نشان دهد و در مقام اجرا نیز، با عنایت به هدف اصلی اجرای قانون که برقراری نظم و عدالت است، شایسته است قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشد، چراکه اصولاً در قانونگذاری برای انسان‌ها برخلاف جمادات که می‌توان آنها را در شرایط ثابت آزمایشگاهی نگاه داشت، انسان‌ها در شرایط گوناگون و نیت‌ها متفاوتند که باید شرایط و نیت‌ها را در نظر گرفت. شاید از همین روست که در احکام و مقررات دینی، به‌ویژه در متون قرآنی هر جا حکمی بیان شده و بر قاطعیت لازم برای اجرای آن تأکید شده، استثناهایی نیز ذکر شده است (یعقوبی، ۱۹۹۱: ۳۸۵).

## الزامات ماهوی تدوین قوانین

الزامات ماهوی در واقع مربوط به خود موضوع قانون که در این مبحث «اقتصاد مقاومتی» با توضیح تفصیلی که صدرأ به آن مطابق نظرهای حقوقدانان و صاحب‌نظران اشاره شد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱. الزامات ماهوی اقتصاد مقاومتی

از آنجا که از اهداف مهم انقلاب اسلامی ایران تحقق تمدن نوین اسلامی مبنی بر رشد و عدالت، برابر آموزه‌های دینی است که مقام معظم رهبری به‌عنوان راهبر و استراتژیست نظام، در دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، هدف اصلی انقلاب اسلامی را تحقق تمدن نوین اسلامی بیان کردند و فرمودند: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار از معنویت باشد و با کمک و هدایت معنویت راه برود» که معظم‌له پنج فرایند - «اول انقلاب اسلامی، دوم تشکیل نظام اسلامی، سوم تشکیل دولت اسلامی، چهارم تشکیل کشور اسلامی و پنجم تشکیل امت اسلامی» - را بیان فرمودند. بدین معنا که هم از نظر علمی و کاربردی متناسب با مبانی و اصول «علم اقتصاد» و هم از نظر جایگاه و ارزش متناسب با «ارزش‌های جامعه اسلامی» هستند که تأمین این دو وجه ما را به اهداف بزرگ اسلامی در امور اقتصادی یعنی «رشد و عدالت» می‌رساند و از این طریق عدالت اجتماعی برابر آموزه‌های دینی تضمین و موجبات ثبات و امنیت اقتصادی در سطح ملی می‌شود. در اصل ۴۳ قانون اساسی نیز زمینه‌های اجرایی تحقق اهداف عالی نظام اسلامی در تسهیل حرکت انسان به سوی کمال پیش‌بینی شده و ایجاد زمینه‌های لازم برای خودسازی معنوی، سیاسی، عدالت اجتماعی در تنظیم برنامه‌های کشور از مسئولان کشور خواسته شده است. همچنین در بند ۴ اصل فوق‌الذکر عنوان شده است برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه، اقتصاد جمهوری اسلامی براساس ضوابط زیر استوار می‌شود: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری (محقق، ۱۳۹۴: ۲۵). قانونگذار از نظر ماهوی حضور انگیزه‌های معنوی را به‌صورت کاملاً گسترده در قانونگذاری به رسمیت شناخته است و حتی می‌توان به جرأت اذعان کرد که قانون اساسی انگیزه صرفاً مادی را بدون همراهی انگیزه‌های معنوی نفی می‌کند. در همین زمینه، در مقدمه قانون اساسی آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل است، نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، ... در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نیست» همچنین در بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی در این مورد آمده است: «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به شکلی باشد که در آن

فرصت و توان کافی برای فرد؛ خودسازی معنوی وجود داشته باشد» که این حاکی از توجه قانونگذار به رسیدن انسان به رشد و تعالی یا به عبارت دیگر، رسیدن به کمال و قرب الهی می باشد، و این هم زمانی میسر خواهد بود که کارایی اقتصادی وجود داشته باشد و نیز رعایت اصل برابری در حقوق اقتصادی جامعه محترم شمرده شود. از اهداف دیگر در رشد و تعالی و رفاه عمومی می توان به تأمین عدالت اجتماعی اشاره کرد، بدین معنا که تولید ملی به طور عادلانه و منصفانه بین مردم توزیع شود. در این زمینه دولت باید به منظور رفع این نارسایی ها با استفاده از ابزارهای مؤثر قانونگذاری اقتصادی و حمایتی دخالت کند تا از طریق آن به عنوان یک ابزار کارآمد و واقعی، زمینه های رقابت سالم را فراهم سازد و با وضع مقررات ضدانحصار معاملات ناشی از رانت و انحصار را تعدیل کند. معمولاً دولت با وضع قوانین، برخی قراردادهای ناعادلانه و غیرقانونی را محدود می کند. این قوانین و مقررات می تواند به صورت «دستورالعمل و نظارت» مانند تعیین معیارها و اهداف و تهیه شروط باشد. از این طریق دولت تا حدودی به برابری میان شهروندان و عدالت اجتماعی کمک می کند.

## ۲. اصول سه گانه اقتصادی و الزامات ماهوی براساس اصل ۴۳

در مکتب اقتصادی اسلام سه اصل خیلی مهم وجود دارد: اصل اول، عدالت اقتصادی است. اصل دوم، اصل جهاد اقتصادی است و سوم اصل عزت اقتصادی (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۰۳) است که به عنوان اصول سه گانه اساسی مکتب اقتصاد اسلام می باشند، البته اصول و فروعی هم ممکن است در این چارچوب قابل افزودن باشد، ولی این اصول شاه بیت مکتب اقتصادی اسلام هستند.

### ۱.۲. عدالت اقتصادی در اقتصاد مقاومتی

اصل اول عدالت اقتصادی، مبتنی بر همان تعریفی است که امام علی (ع) از عدالت مطرح می کنند و می فرمایند: «العدل وضع کل شیء موضعه»، عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. یا «العدل اعطاء کل ذی حق حقه» عدالت، آن است که حق هر صاحب حقی، داده شود. مرحوم طباطبائی (ره) معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می داند. در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی توجه به «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه...» حکایت از آن دارد که امکانات و منابع ملی به منظور رعایت اصل «عدالت» به طور یکسان و مساوی در اختیار همه قرار داده شود که این نشان دهنده توجه قانونگذاران قانون اساسی به رعایت اصل عدالت اقتصادی است. از این رو در تعریف آن می گویند «به هر امری آنچه سزاوار است بدهی، تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای خود که مستحق آن است قرار گیرد» (طباطبائی، ۱۳۸۲:

۲۷۶). شهید مطهری نیز عدالت را رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق به او تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۶۳: ۵۹). بنابراین عدالت، همواره یکی از موارد کلیدی، مهم و جدی است تا جایی که انبیای الهی همواره به آن تأکید داشته و به‌عنوان یکی از اصول دین در مکتب تشیع ارائه شده است. افلاطون نیز عدالت را مادر همه فضایل اخلاقی می‌دانست. در اسلام عدالت در همه زمینه‌ها، از جمله عدالت اقتصادی است، اینکه به هر صاحب حقی، باید حقس پرداخت شود. با این نگاه، مفهوم عدالت اقتصادی این خواهد بود که حقوق همه عوامل اقتصادی دو دسته‌اند: یک دسته انسان‌ها و دسته دوم منابع هستند (مثل منابع طبیعی کالاها و ثروت‌هایی که به‌طور کلی وجود دارد).<sup>۱</sup> عدالت در دسته اول را عدالت توزیعی به معنای پرداخت حقوق انسان‌ها و رفع فقر گویند (که در اینجا براساس تأکید صدر اصل ۴۳ قانون اساسی ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد و و رفع تبعیض می‌باشد) و عدالت در دسته دوم را عدالت تخصیصی به معنای پرداخت حقوق عوامل و منابع اقتصادی و ثروت‌ها گویند که خروجی آن، حداکثر تولید و ثروت است (که در اینجا در بند ۹ ذیل اصل ۴۳ قانون اساسی و نیز در سیاست پنجم، از سیاست‌های کلی ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید دارد) لکن این امر در قانون‌گذاری از نظر مقنن در قالب الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی مغفول مانده است.

## ۲.۲. جهاد اقتصادی در اقتصاد مقاومتی

اصل دوم در مکتب اقتصادی اسلام، همان جهاد اقتصادی است. این اصل بیان می‌کند که همه فعالیت‌های اقتصادی در مکتب اقتصادی جهان اسلام و در چارچوب شریعت اسلام، فعالیت‌های نیمه‌انتفاعی‌اند؛ یعنی افراد صرفاً به دنبال منافع، مطلوبیت و رفاه خودشان نیستند. در الگوهای ماتریالیستی و لیبرال گفته می‌شود که تولیدکننده در جهت به حداکثر کردن سود خود مجاز است بخشی از منابع و بخشی از تولیدش را نابود کند و از بین ببرد؛ کاری که کشاورزان آمریکایی می‌کنند، سال‌هایی که تولید گندمشان بیشتر است، بخشی از گندم را به دریا می‌ریزند تا قیمت گندم افزایش یابد که در مکتب اسلام این امر جایز نیست.

---

۱. با این نگاه عده‌ای از محققان گفته‌اند که عدالت اقتصادی: یکی عدالت اقتصادی در مورد انسان‌ها و یکی عدالت انسان‌ها در مورد منابع؛ که اجرای عدالت اقتصادی در مورد انسان‌ها را، «عدالت توزیعی» و اجرای عدالت اقتصادی انسانها در مورد منابع و ثروت‌ها را «عدالت تخصیصی» نامگذاری کرده‌اند. در واقع عدالت توزیعی به این معناست که حقوق اقتصادی انسان‌ها پرداخت شود و عدالت تخصیصی، یعنی حقوق اقتصادی منابع؛ و ثروت‌ها پرداخته شود که این براساس همان قاعده‌ای است که شهید مطهری مطرح می‌کند که استعدادها و منابع طبیعی مبنای حقوق طبیعی‌اند.

## ۳.۲. عزت اقتصادی در اقتصاد مقاومتی

اصل ۳ که اصل عزت اقتصادی است، بیان می‌کند همه فعالیت‌های اقتصادی باید به تقویت عزت مسلمان و جامعه اسلامی منجر شود و این، در واقع از «قاعده نفی سبیل» استنباط می‌شود می‌فرماید: «وَأَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» هر نوع معامله و فعالیت اقتصادی که موجب خدشه‌دار شدن عزت مسلمان شود، ممنوعیتی برای آن وجود دارد. قرآن بر ضرورت اقتصاد مقاومتی به اشکال گوناگون تأکید کرده است. از جمله آیاتی که می‌تواند این وجوب و ضرورت را بیان کند، آیه ۲۸ سوره توبه است که در بند ۸ اصل ۴۳ ق.ا. نیز منبعث از آیه قرآن «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور» بر آن تأکید شده است. بند ۲ اصل ۴۳ بر این نکته تأکید دارد که «به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا از هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد». این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی‌های عمومی اقتصادی کشور، در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. تأکید قانونگذار بر «شکل تعاونی» و «عدم تمرکز و تداول در دست افراد خاص» حکایت از اصل مهم برابری و مساوات دارد و استفاده همگان از «وام بدون بهره» در اشکال مورد اشاره نشان می‌دهد که در ذات قانون، که منبعث از احکام متعالی «قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص) و معصومین (ع)» است، حرکت کاربردی به‌سوی «رشد و عدالت» تدوین و در نظر گرفته شده است که با برنامه‌ریزی متعالی و به دور از حب نفس (که مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است)، می‌توان بدان دست یافت بنابراین در امور اقتصادی از نظر ماهوی تدابیر لازم در جهت رشد و توسعه اقتصادی در اصل موصوف و دیگر اصول قانون اساسی وجود دارد؛ و طرق اجرایی آن نیز پیش‌بینی شده است که با تدوین و اجرایی کردن قوانین شفاف و اثرگذار اقتصاد مقاومتی در سطح کلان و خرد اقتصادی، با توجه به بخش‌های مختلف، برابر ظرفیت‌های قانون اساسی، موقعیت منطقه‌ای و بومی ایران، می‌توان عملیاتی ساخت.

۱. همچنین خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتهم عيله فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء ان الله عليم حكيم» در این آیه نه‌تنها نیازمندی اقتصادی جامعه اسلامی را عامل وابستگی جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند، بلکه قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان را تشویق می‌کند و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با مشرکان و دشمنان هستند، یادآور می‌شود که چنین امری نه‌تنها اختلالی به‌وجود نمی‌آورد، بلکه سبب رونق اقتصادی و شکوفایی آن شده و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد.



## شکل‌گیری قوانین اقتصادی و قانونگذاری اقتصاد مقاومتی

قانون اساسی براساس خواستها و مبتنی بر هدف‌گذاری به تأمین نیازهای اساسی جامعه شکل گرفته است. در اصول متعددی از قانون اساسی، مجموعه گسترده‌ای از وظایف اقتصادی برای دولت در نظر گرفته شده است که بسیاری از آنها در حوزه امور مرتبط با تولید و ایجاد ثروت و درآمد قرار دارد و بیشتر با سرشت فعالیت‌های مردمی و سازوکار و تأسیسات بازار سازگار است و بر اساس ضوابط نه‌گانه ذیل اصل ۴۳، همه قوانین عادی و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات دولت را مبتنی بر این ضوابط می‌داند. دولت در قانون اساسی در قبال نیازهای اقتصادی انسان و مؤلفه‌های آن وظایفی بر عهده دارد. در این زمینه سیاست‌های اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم شود تا حتی در شرایط بحرانی نیز وظیفه یادشده به محقق فراموشی نرود و تحت‌الشعاع سیاست‌ها و تدابیر اصلی دیگری که مقدم شمرده شده‌اند، نگردد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۰). چنین امری افزون بر این اصل، مستفاد از بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی است که «تأمین نیاز اساسی: مسکن و...» را از معیارهای اساسی اقتصاد جمهوری اسلامی دانسته است. یا با به رسمیت شناختن حق داشتن شغل در بند ۲ اصل ۴۳، کسانی را که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، به اخذ وام بدون بهره رهنمون می‌شود. در بند ۴ همان اصل بر رعایت آزادی شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی تصریح شده است. براساس این اصل، دولت موظف است برای کلیه کسانی که نیروی کار دارند اما سرمایه و ابزارکار در اختیار آنها نیست، از طریق وام یا هر طریق مشروع دیگر امکانات سرمایه‌گذاری را از طریق بخش تعاونی فراهم کند تا همه نیروهای جامعه بتوانند در بخش اقتصادی کشور فعال باشند. اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت نیل به اهداف مقرر در اصول قبل و مشخصاً اصل ۴۳، در بخش‌های اساسی آنرا مورد طرح و تبیین قرار داده است که تحقق آنها به وسیله قانونگذاری شفاف و مؤثر به منصفه ظهور می‌رسد.

### ۱. بخش‌های اقتصادی

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

#### ۱.۱. بخش دولتی

از سه بخش اقتصادی کشور، بخش نخست بخش دولتی است که شامل صنایع و تولیدات عمومی می‌شود. آنچه در خصوص این بخش از اقتصاد کشور باید مدنظر قرار داد، آن است که براساس ضوابط مقرر در بند ۲ اصل ۴۳، اقتصاد در این بخش نباید به نحوی تنظیم شود که

دولت را به صورت کارفرمای بزرگ و مطلق درآورد که به دلیل فقدان قانونگذاری اقتصادی مؤثر در دو دهه اخیر ره به جایی نبرده است. به نظر می‌رسد فقدان الزامات لازم حقوقی و مؤثر (جامع و مانع بودن؛ اعم از قانونگذاری و نظارت و...) از ناحیه مقنن علی‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۸۴ مبنی بر واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی از علل ناکارآمدی این بخش بوده است.

### ۱.۲. بخش تعاون

بخش دوم در قانون بخش تعاون شامل شرکت‌های تعاونی تولید و توزیع است که طبق ضوابط و مقررات مربوط به تشکیل و اداره شرکت‌های تعاونی ایجاد می‌شود. بسیاری معتقدند بخش تعاون در جایگاه یکی از سه بخش اقتصادی کشور در قانون اساسی، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مغفولی دارد که هرگونه کوشش در جهت بازشناسی و معرفی آنها در اقتصاد کشور، زمینه‌ساز بهبود وضعیت اقتصادی و گسترش توسعه در کشور خواهد شد (روشن‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۰۵). این بخش نه تنها عدالت اقتصادی را هدف قرار می‌دهد و به پیوندهای اجتماعی و ارتباطات انسانی، همچنین بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی گروه‌های انسانی توجه دارد، بلکه کارایی و سودآوری اقتصادی را نیز در فعالیت‌های گوناگون مدنظر قرار داده است که البته ریشه در اندیشه دینی و اسلامی «تعاونوا علی البر و التقوی» هم دارد. البته باید توجه داشت آنچنان‌که از ترتیب مقرر در قانون اساسی استنباط می‌شود، بخش تعاونی در این قانون بر بخش خصوصی مقدم دانسته شده است. به نظر می‌رسد که دولت باید با رعایت اصول ۴۳ و ۴۴، و با رویکرد قوانین اقتصاد مقاومتی مصوب سال ۹۷ مجلس، شرکت‌های تعاونی را از حالت توزیع با قانونگذاری جامع و مانع (با شفافیت، انسجام و...) به سمت تولید سوق دهد و به این شکل مشارکت اقتصادی و اجتماعی مردم در فعالیت‌ها را که یکی از اصول مهم تعاون است، فراهم آورد و با حمایت مؤثر از تعاونی‌های تولیدی و اشتغال‌زایی، کاهش تصدی دولت را تحقق بخشد.

### ۱.۳. بخش خصوصی

از جمله مشکلاتی که بسیاری از دولت‌ها به خصوص در کشورهای کمتر توسعه‌یافته با آن مواجه‌اند، بزرگ شدن اندازه دولت و گستردگی سطح دخالت آن در فعالیت‌های غیرضروری

---

۱. ابلاغیه رهبری در جهت افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و کاهش بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۴ درباره سیاست‌های کلی اصل ۴۴ گویای رویکرد نوینی در سیاستگذاری‌های اقتصادی و توجه به بخش‌های مذکور است.

است که در عمده موارد موجب بالارفتن هزینه‌ها، کاهش بهره‌وری و تشکیل نهادهای موازی و عدم توان مدیریت درست شده است. در این میان مقوله خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارها برای حل این مشکل مطرح شده است که سومین بخش اقتصادی در قانون اساسی در عین حال که می‌توانست پرتحرک‌ترین بخش در این زمینه باشد، به دلایل متعددی فاقد این خصوصیات شد. سطح نخست این دلایل، مشکل قوانین که «جنبه اجرایی و الزامات حقوقی داشته باشد» است و عمده این امر هم به اصل ۴۴ قانون اساسی بازمی‌گشت، اما به تدریج تفسیر این اصل تغییر یافت، یعنی از حاشیه‌ای دانستن بخش خصوصی در اقتصاد، به سمت اصل دانستن آن توجه شد.<sup>۱</sup> به‌نظر می‌رسد اگرچه سیاست‌های ابلاغی بر خصوصی‌سازی و پرتحرک کردن اقتصاد بخش خصوصی تأکید دارند، عملاً تاکنون زمینه‌ای برای تحقق آن وجود نداشته است. در ایران نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه کشور نیز به برنامه خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی بخش دولتی تا حدودی اقدام شده است. موفقیت خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی به‌عنوان خط‌مشی توسعه اقتصادی بستگی به این دارد که چگونه معیارهای خصوصی‌سازی براساس شرایط خاص کشور اجرا شوند و تمامی عوامل و عناصر درگیر در خصوصی‌سازی در نظر گرفته شوند. بنابراین می‌توان گفت برای خصوصی‌سازی و سپردن اقتصاد کشور به خود مردم (به دلیل عدم شفافیت) نگرش دولت، برای انجام این امر تغییر نیافته و هنوز اعتماد لازم به بخش خصوصی در ارکان و پیکره دولت به وجود نیامده است. با توجه به برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاست‌های کلی اقتصادی کشور برنامه اول تا ششم (تا سال ۹۶) چندان به‌طور شفاف و منسجم امر قانونگذاری صورت نگرفته است؛ قانونگذاری که دارای الزام قانونی برای مجریان و مسئولان، حتی در مصوبات عادی دولتی که، دیده می‌شود، وجود ندارد، بدین معنا که در روند اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور که توسط مجلس، اصول کلی اصل ۴۴ به تصویب رسیده است، دارای الزامات حقوقی موثر نیست، مفهوم چنین مصوباتی به طریق اولی یعنی بی‌قانونی، زیرا اگر قانون ویژگی لازم را نداشته باشد که صدرأ به آنها اشاره شد، خود به‌وجودآورنده فساد در جامعه می‌گردد، از این رو بعضی افراد با استفاده از ضعف آن موجبات تزلزل اقتصادی، شکاف طبقاتی و نارضایتی عمومی را به‌وجود می‌آورند، بنابراین اقتصاد کشور در حالت کلی و به تبع آن اقتصاد مقاومتی را دچار چالش جدی کرده است.

با وجود ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ و تصویب آن در مجلس در سال ۱۳۹۷، به دلیل فقدان الزامات حقوقی هم در اصول اثباتی اقتصاد مقاومتی (توزیع عادلانه

۱. در سال ۱۳۷۱ شورای نگهبان نظریه‌ای مشورتی دارد که مؤسسات اعتباری اگر فعالیت‌های خود را به عملیات بانکی توسعه دهند، مغایر قانون اساسی است؛ اما در سال ۱۳۷۹ - شماره ۱۵۹۴ شاهد تصویب قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی هستیم که این امر نشان‌دهنده تغییر نگرش نسبت به جایگاه و نحوه فعالیت بخش خصوصی از منظر شورای نگهبان قانون اساسی است.

ثروت، کار اقتصادی و ارزش افزوده، گردش آزاد ثروت، خودتکایی، اصل قناعت، اصل مصرف بهینه و...) و هم در اصول نافی آن (مخالفت با رباخواری، تکاثر و کنزاندوزی، عدم گردش جریان سالم ثروت، ویژه‌خواهی، انحصارطلبی و رانت‌خواری و...) در امر تقنین (شفافیت، انسجام و انعطاف‌پذیری) در همه شاخصه‌ها از جمله شاخصه حقوقی، اصل خودکفایی و تأمین استقلال اقتصادی مانند نبود مشوق‌های قانونی شفاف در قوانین مالیاتی، بانکی، بیمه‌ای و... حمایت از تولید و کالاهای اساسی و ضرورت ممنوعیت افزایش عوارض گمرکی کالاهای تجملاتی و افزایش عوارض گمرکی برای کالاهای غیرضروری و لزوم کاهش وابستگی به نفت در بودجه سنواتی و... با در نظر گرفتن تحولات جهانی در قوانین اقتصاد مقاومتی وجود داشته باشد، از یک طرف و در الزامات و بایدها و نبایدها مانند ضرورت فرهنگ‌سازی، گفت‌وگو، زمان‌بندی و برنامه‌ریزی، همیاری و همکاری متقابل مردم و مسئولان، به‌طوری که سهم هر قوه معین شود و عملکرد خود را نظارت کنند و ده‌ها مورد از طرف دیگر، به‌وسیله مقنن در قالب الزامات حقوقی با نگرش اقتصاد مقاومتی با رویکرد آموزه‌های دینی و ظرفیت اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق، تقنین نشده است تا وسیله «رشد و توسعه عدالت اقتصادی» شود که این امر، وضعیت اقتصادی کشور را با چالش جدی مواجه کرده است.

## ۲. قانونگذاری اقتصاد مقاومتی و موانع تحقق اصل ۴۴

در نظام اقتصادی کشور در بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی متأسفانه هیچ تناسبی وجود ندارد، به‌گونه‌ای که بخش دولتی بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را در اختیار گرفته و دیگر بخش‌ها سهم ناچیزی در این فعالیت‌ها دارند. این امر یکی از چالش‌های جدی است که در نظام اقتصادی و به‌خصوص در مواجهه با تحریم‌ها که به پاشنه آشیل اقتصاد ما تبدیل شده است و با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که قرار بود ریل‌گذاری جدیدی در اقتصاد ایجاد شود. افزایش سهم بخش غیردولتی با رویکرد گسترش مالکیت، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، کاهش بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال و تشویق مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد آنها، هدف غایی سیاست‌های اصل ۴۴ است که از دو روش تقویت زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی با ثابت نگه‌داشتن سهم بخش دولتی و همچنین از طریق واگذاری سهم دولت از اقتصاد به این بخش، می‌بایستی محقق شود. حال با گذشت بیش از ۱۰ سال از ابلاغ این سیاست‌ها که بندهای «الف» و «ج» این سیاست‌ها به‌صراحت به توسعه بخش خصوصی و غیردولتی در اقتصاد ایران اشاره دارد، به عقیده بعضی از صاحب‌نظران اقتصادی (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۵: ۷)، یکی از ارکان دستیابی به توسعه پایدار سیاست خصوصی‌سازی است و این سیاست زمانی مفهوم اصلی خود را در اقتصاد

پیدا می‌کند که شناخت درست و کاملی از نحوه اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و در ادامه آن، فرایند خصوصی‌سازی و بندهای ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲ داشته باشیم. بررسی مفاد قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه... و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مرکز مقنن بر محورهای سه‌گانه سیاست‌های ابلاغی را به شرح ذیل نشان می‌دهد: از مجموع ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره قانون مذکور، صرفاً دو ماده و ۶ تبصره ناظر بر تسهیل و تسریع در سرمایه‌گذاری و صدور مجوز فعالیت‌های اقتصادی برای بخش‌های غیردولتی (مواد ۷ و ۸) و ماده ۴ با ۴ تبصره از آن نیز صرفاً معطوف به توسعه بخش تعاون است (مواد ۹ تا ۱۲ قانون)، این در حالی است که ۲۰ ماده و ۳۵ تبصره از همان قانون معطوف به فرایند واگذاری شرکت‌های دولتی است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد قانونگذار، اولویت را برای بخش‌های دولتی و تعاونی قائل شده و بخش خصوصی را صرفاً در محدوده تکمیل این بخش‌ها به رسمیت شناخته است. مطالعه برنامه پنج‌ساله توسعه اول هم همین نگاه را تأیید می‌کند. این برنامه در یکی از بندهای خود اشاره کرده بود که تجارت خارجی در انحصار دولت است. با این حال به عقیده اقتصاددانان، اجرای این سیاست در عمل، با توجه به نتایج به‌دست آمده در عملکرد بخش فوق در کارنامه خود توفیق چندانی نیافت (قاسمی، ۱۳۸۵: ۵).

از این‌رو بدین‌وسیله مبرهن می‌گردد که این بررسی به‌تنهایی گواه است که نه‌تنها از محورهای سه‌گانه مورد تمرکز سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، توسعه بخش‌های غیردولتی که صرفاً از طریق تقنین شفاف، منسجم و با منقح‌سازی قوانین امکان‌پذیر است، بلکه تمرکز بر محورهای بعدی که از نظر راهبردی حائز نقشی اساسی‌تر در تأمین اهداف مذکور نیز هستند، مغفول مانده یا به‌اندازه لازم، به آنها پرداخته نشده است و به نظر می‌رسد، این مهم بزرگ‌ترین مانع راهبردی عدم تحقق سیاست‌های موضوعه باشد.

## نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی، یک انقلاب اقتصادی (انقلاب سوم) برای توسعه اقتصادی و مقابله با تحریم‌های غیرقانونی نظام سلطه است که در راستای تفکر ناب اسلامی مبتنی بر شاخصه‌هایی چون استقلال، خوداتکایی، بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و با تکیه بر منابع عظیم بومی، ریل‌گذاری بنیادین و اساسی برای آینده کشور است. پژوهش‌های صورت‌گرفته و تجربیات کشورهای موفق اقتصادی که تحریم شده‌اند، نشان می‌دهد که توانسته‌اند با قانونگذاری و با اتکا

۱. براساس قانون، واگذاری شرکت‌های گروه یک، باید در سال ۸۹ و شرکت‌های گروه ۲، در سال ۹۳ به پایان می‌رسید، ولی تا سال ۹۴ تعدادی از شرکت‌های گروه یک و ۲ برای واگذاری باقی مانده‌اند و تا سال ۹۶، ۳۰۰ شرکت برای واگذاری باقی مانده است.

به ظرفیت ملی و بومی، به قطب‌های مهم اقتصادی دست یابند. باگذشت چندین دهه از تاریخ برنامه‌ریزی کلان برای توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران هنوز «نقشه راه اقتصادی» قدرت انطباق با شرایط داخلی و خارجی کشور را نداشته است که این مسئله ضرورت بازنگری در شیوه‌های تدوین استراتژی‌های توسعه اقتصادی را بیش از پیش نمایان می‌کند. الزامات حقوقی اقتصادی مقاومتی در «مرحله قانونگذاری» با توجه به ظرفیت‌های قانون اساسی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴، می‌تواند کارآمدی لازم را در جهت عدم اجرای سلیقه‌ای قوانین، بستن منافذ قانون دررو، رانت، فساد و تبعیض داشته باشد که با شفافیت، انسجام، انعطاف‌پذیری و تنقیح قوانین با راهبرد الزامات موصوف، از جمله نظارت و نظام‌مندی با عنصر شفافیت و به دور از تبعیض، هماهنگی و یکپارچگی با دارا بودن تقنین در انسجام، اصلاح و بازنگری با توجه به مقتضیات کشور با انعطاف‌پذیری و نیز عدم موازی‌کاری، انباشت و تنقیح قوانین، برای هر یک از نهادهای حاکمیتی، اهمیت پیدا می‌کند که با فرهنگ‌سازی در سطوح عمومی از یک طرف و استفاده از تجربیات موفق و بومی‌سازی آنها در کنار عزم ملی بین مسئولان و مردم از طرف دیگر، می‌تواند به منصفی ظهور و بروز برسد. شفافیت، انسجام، انعطاف‌پذیری و تنقیح قوانین با اتکا به ظرفیت‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی مبسوط ابلاغی، برای تقویت بازار سرمایه؛ در نظام بانکی کشور جهت رشد پایدار تولید، همانند کشورهای توسعه‌یافته، در جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند جنبه اجرایی به خود بگیرد که هم در روند توسعه اقتصادی و هم در حالت رکود و... منابع نقدینگی اضافی ایجادشده، با الزامات مصوب قانونگذار و با مدیریت و نظارت بانک مرکزی کشور، به سمت تولید سوق داده شود و با هدایت نقدینگی به سمت تولید و استفاده از سایر ظرفیت‌ها با توجه به قانونگذاری‌های فوق، زمینه اشتغال، خوداتکایی و بهره‌وری فراهم شود و اقتصاد کشور طی زمان‌بندی مدون و مشخص، زیر نظر کارشناسان، نخبگان، مسئولان، مشارکت مردم، بخش خصوصی و نیز دیگر مؤلفه‌های مهم صدرالاشعار، نه تنها توان مقابله با نظام ظالمانه سلطه اقتصادی را خواهد داشت، بلکه موجبات به‌وجود آمدن تمدن بزرگ اقتصاد اسلامی را نیز در پی خواهد داشت.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. ابدالی محمدی، اکبر (۱۳۹۶)، *اقتصاد مقاومتی (تفسیر جهاد کبیر)*، قم: جهاد دانشگاهی قم.
۲. احمد بن جعفر واضح عباسی (۱۹۹۱) *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.

۴. جوان، موسی (۱۳۶۴)، مبانی حقوق، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. جعفر قلی‌خانی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در ترازوی حکمرانی خوب، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. دوپاکیه، کلود (۱۳۳۲)، مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، ترجمه علی محمد طباطبایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵)، خصوصی‌سازی، تهران، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. سادات مؤمنی، حانیه (۱۳۹۵)، تجربه اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲)، تفسیر المیزان، ج ۱۴، قم: انتشارات حوزه علمی قم.
۱۱. عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، مدیریت و اقتصاد مقاومتی، تهران: بهاران.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: کتاب آزاد.
۱۳. لوی برول، هانری (۱۳۶۴)، جامعه‌شناسی حقوق، تهران: سمت.
۱۴. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، حقوق و سیاست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا.
۱۷. موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

## ب) مقالات

۱۸. انصاری، مجید (۱۳۸۵)، «جایگاه سیاست‌های... قانونگذاری ایران»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۹. ترابزاده جهرمی، محمد صادق (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
۲۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۰)، «ظرفیت‌ها و... جناحی ایران در ایجاد امنیت قضایی»، تهران: مقالات امنیت قضایی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. خلیلی، محسن (۱۳۸۸)، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام: یک بررسی انتقادی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، ش ۲.
۲۲. دیوید لیون (۱۳۸۴)، «جامعه نظارتی: مسیره‌های جدید در تئوری»، ترجمه لیدا کاووسی،

- فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی و مسائل ارتباط جمعی (رسانه)، سال شانزدهم.
۲۳. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «نظام قانونگذاری ایران و جایگاه مجمع تشخیص مصلحت»، فصلنامه راهبرد، ش ۳۴.
۲۴. فرزندی اردکانی، عباسعلی، میثم یوسفی، مجید عنان پور خیرآبادی (۱۳۹۴)، «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها، مجله پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی»، دوره اول، ش ۱.
۲۵. قاسمی، آرین (۱۳۸۹)، «قانون اساسی و اقتصاد مقاومتی»، تهران: مجموعه مقالات همایش نقش اقتصاد مقاومتی در مقابله با تحریم‌ها، بی‌تا.
۲۶. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۴)، «تحولات قانون... در ایران معاصر»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، ش ۱۱.

#### ج) پایان‌نامه‌ها

۲۷. روشن‌نیا، احسان (۱۳۹۳)، «مبانی فقهی اقتصاد مقاومتی و تأکید بر تولید داخلی»، قم: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه قم.

#### د) قوانین، روزنامه و سایت‌ها

۲۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری مصوب ۱۳۶۸.
۲۹. قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، با اصلاحات بعدی آن و آیین‌نامه‌های اجرایی.
۳۰. روزنامه همشهری، ۴ دی‌ماه ۱۳۹۰، کد مطلب: ۱۵۴۹۳۷.
۳۱. سایت مرکز تحلیلی اقتصاد مقاومتی.
۳۲. سایت صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۳۳. وبگاه مقام معظم رهبری.

#### ۲. انگلیسی

34. Alasdair Roberts, and Also Atlanta Access to government information: An overview of issues, May 1999 the Carter Centre , in [http://www.Transparency.org/working\\_papers/Roberts/Roberts.html](http://www.Transparency.org/working_papers/Roberts/Roberts.html) : 1998.36J.M.Balkin: "How Mass Media Simulation political transparency"-30 [http://www.yale.edu/law\\_web/Jbalkin/articles/Media01.html](http://www.yale.edu/law_web/Jbalkin/articles/Media01.html).
35. Malthus, T.R., An Essay on the Principle of Population, Baltimore: Penguin Books (1970). "On liberty, The right to 38- public discourse, the role of transparency, 1999, in *inpubliklife* ,S, Stiglitz,1999, Oxford, UK. amnesty lecture.
36. The fight against corruption, A world bank management unit, on transparency



and governance perspective Workshop Baran Zan, Central America country, Stockholm, Sweden: 25-28 May 1999.

"Civil society:40-Participation and transparency in central America", United nation development programme Bureau for Latin American and the Caribbean, Presented 1999. transparency and governance, Stockholm, Sweden: 25-28 May.

37. Margaret Weir, Nancy Pindus, Howard Wial, Harold Wolman, (2012), Economic shocks and Regional Economic Resilling prepared for Brookings George Washington, "urban and regional policy and its effects": Building Resilient regions, Washington DC.